

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه



## گامی به پیش، ضرورت جهشی فراتر

مازیار رازی

تلگرام @MarxLeninTrotsky

اعتصاب آبان ۱۳۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه گامی مهم به پیش است! دست تمام این عزیزان و خانواده هایشان را که زیر بیشترین فشارهای مالی، جسمانی و روحی به مبارزه علیه سرمایه داری ادامه داده (و می دهند)، به گرمی می فشاریم! کارگران هفت تپه فصل نوینی در مبارزات اخیر کارگری گشوده که درس های بسیاری برای سایر کارگران در راستای تدارک برای به حاکمیت رسیدن کارگران، به ارمغان آورده است. مروری بر این درس ها برای تداوم موفق آمیز اعتصابات کارگری در ایران ضروری است.

### شناخت ماهیت و نقش واقعی دولت

گرچه سال پیش یکی از مطالبات اصلی کارگران نیشکر هفت تپه علیه خصوصی سازی ها، بازگشت به «دولتی» کردن شرکت نیشکر هفت تپه بود، اما تجربه عملی مبارزات کارگری و تداوم اعتصابات همراه با مذاکرات با نهادهای دولتی، به کارگران هفت تپه نشان داد که دولت برخلاف ادعای خود یک نهاد «بی طرف» و «دلسوز»، از یکسو برای سرمایه داران، و از سوی دیگر برای کارگران نیست! دولت فرای دو طبقه قرار نگرفته و نقش قاضی را ایفا نمی کند. هیچ دولت سرمایه داری در جهان چنین نقشی ندارد. دولت های سرمایه داری از جمله دولت ایران غایبند و حافظ منافع اقلیت استثمارگران یعنی سرمایه داران است. کارگران نیشکر هفت تپه نیز در عمل تجربه کردند که دولت فقط غایبند یک طبقه است و آنها هم سرمایه داران، مدیران و صاحبان شرکت هفت تپه.

در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۹۷ اسماعیل بخشی به این موضوع به وضوح اشاره می کند. او می گوید:

« دولت هم در این مقصر است و می بایست خود دولت محکوم شده و به ما غرامت بپردازد. و به کارگر هفت تپه پاسخ دهد. همه جارفتیم. دولت اعلام می کند که ما با کارگران هستیم اما ما از کجای فهمیم که دولت همراه با سرمایه داران است؟ همه آن آقایان رفته اند و هیچ کس هم در این مورد بحثی نکرده بلکه خود غایبندگان کارگران و کارگران دریافتند که جریان از چه قرار است. بایبگیری غایبندگان بود که دریافتیم که آقایان نیستند و اختلاس کرده و تحت تعقیب اند و بعضی از آن ها هم دستگیر شده اند. با مراجعه به دولت سوال کردیم که این آقایان کجا هستند؟ آیا زندانی هستند؟ یا فراری اند و تحت تعقیب؟ و دلیل اصلی آن چیست؟ در حالی که دولت هیچ پاسخی نمی دهد. چرا؟ چون پای خودش هم گیر است. خودش این ها را آورده. تف سر بالاست اگر بخواید با آنها برخورد کند. حاصل سیستم اقتصادی و کار خودش چنین کسانی است... اگر امید شما به دولت است یا به بخش

خصوصی و یا اگر به آمدن شخصی دیگر امید بسته اید خیالتان را راحت کنم که این داستان و وضعیت به همین شکل باقی می ماند. همین آش و همین کاسه است.» (۱) (رجوع شود به ضمیمه).

این ارزیابی صحیح کارگران مبارز هفت تپه را بر سر دو راهی قرار می دهد: یا ادامه مذاکره با دولت به عنوان یک نهاد بی طرف (که نیست) و یا اقدام مستقیم برای به دست گرفتن حاکمیت کارخانه به دست خود. به سخن دیگر، اعمال کنترل کارگری بر تولید و توزیع!

اسماعیل بخشی در سخنرانی خود به شکلی این دو راهی را برای کارگران توضیح می دهد: «دوراه حل وجود دارد که در نهایت خودتان بایست در مورد آن تصمیم بگیرید. یکی آن است که هفت تپه کاملاً به دست کارگران اداره شود. کمیته ای تشکیل خواهیم داد و شورای هفت تپه را اداره می کنیم. نگران نباشید. تمام تخصص ها را داریم. مگر تا امروز چه کسی هفت تپه را اداره کرده؟ اعتماد به نفس داشته باشید. به خود ایمان داشته باشید. می توانیم هفت تپه را خودمان اداره بکنیم. این آرزوی من است که روزی بتوانیم هفت تپه را خودگردان اداره کنیم. راه حل دیگر اینکه فرض کنیم که اجازه اداره خودگردان هفت تپه را به ما ندهند و یا شرایط لازم وجود ندارد گرچه ما تشکل شورایی خود را حفظ می کنیم. در این صورت اگر دولت قصد دارد که شرکت را بگیرد دیگر نه همچون گذشته، بلکه دولت باید صفر تا صد امور را زیر نظر شورای کارگری و زیر نظر عموم کارگران کار کند. مگر غایندگان دولت با این حضرات چه فرقی دارند؟ آنها هم می توانند شرکت را برای چندمین بار به نابودی بکشاند و ما دوباره روز از نوروزی از نو. آلترناتیو ما شورا و نظر جمعی است.» (۱).

سؤالی که مطرح می شود اینست که چنانچه دولت به مثابه غایندۀ سرمایه داران و بخش خصوصی، به این مطالبه تن ندهد چه؟ در این زمان تنها یک راه در مقابل کارگران باقی می ماند: اعمال کنترل بر تولید و توزیع و مقاومت در مقابل دولت. اما، این اقدام نیاز به تدارکات لازم را دارد. یکی از تدارکات ایجاد اتحاد میان کارگران و خانواده شان است (غونه این اتحاد در تظاهرات ۲۲-۲۳ آبان ۱۳۹۷ جلوی درب فرماندهی شوش مشاهده شد). اقدام مهمتر تدارک برای جلب حمایت سایر کارخانه ها در خوزستان و سراسر ایران است (حمایت کارگران فولاد اهواز راه را برای این حمایت سراسری نشان داد. شعار آنها: «فولاد، هفت تپه، اتحاد اتحاد!»). و نهایتاً جلب حمایت بین المللی از همقطاران خود در سراسر جهان (کارزار بین المللی شاهرخ زمانی در بریتانیا خبر رسانی اعتصابات و اعتراضات اخیر را به گوش همقطاران کارگران ایران رسانده است حمایت هایی جلب کرده است. این روشی است که در سراسر جهان توسط نیروهای مترقی در خارج از کشور تداوم یابد).

اما در ایران، در دراز مدت، برای تحقق اقدامات دائمی و سراسری نیاز به سراسری کردن کمیته های مخفی اعتصاب است (مخفی به این علت که امر تدارکات و تداوم اعتصاب مورد تهاجم غایندگان بخش خصوصی و همچنین ابزار سرکوب دولت سرمایه داری قرار نگیرد). به سخن دیگر، ضرورت ایجاد یک تشکیلات مخفی سیاسی سراسری در دستور کار کارگران پیشتر قرار می گیرد.

## ضرورت فعالیت از پائین

یکی از روش های مؤثر برای تداوم اعتصابات کارگری سازماندهی از پائین در میان کارگران است. موفقیت این روش را دمکراسی کارگری تضمین می کند. به سخن دیگر تصمیم گیری جمعی با مشورت کارگران و به شکل دمکراتیک تنها ضامن موفقیت اعتصاب خواهد بود.

این روش از سازماندهی را اسماعیل بخشی در سخنرانی خود به درستی تاکید می کند: «همیشه دستور از بالا آمده. ما امروز تصمیم گرفتیم حکم از پایین به بالا برود. ما برای دولت تعیین تکلیف کنیم. ما فرد محور نیستیم. فرد طلب نیستیم. فرد طلبان و ناسیونالیست ها نژاد پرستان مرتجعین خود را به ما نچسبانند. آلترناتیو ما شورا های کارگری است. یعنی جمعی تصمیم میگیریم برای سر نوشت خودمان. از پایین حکم صادر می کنیم. هر چه از بالا توی سرمان زدند بس است. حالا ما تعیین تکلیف می کنیم. الان آمدیم تا شوراها را تمرین کنیم. ما شکل آن را درست کردیم. در هر اداره ای غاینده انتخاب کردیم. الان یک تصمیم عمومی

است. گاهی در بخش ها و ادارات خود این فضا را به وجود بیاورید. جمع شوید و درباره مشکلات خود با نمایندگان صحبت کنید. هفت تپه را اینگونه اداره کنیم. شورا ها را تمرین کنیم. شورا را زندگی کنیم. بهترین روش همین است. در نظر گرفتن منافع جمعی، نه فردی. همه برای همدیگر هستند نه همه برای یکی. حال این وضعیتی است که به وجود آمده. دیگر بخش خصوصی نباید وارد شود. مامی خواهیم برای اداره هفت تپه تصمیم بگیریم. دولت هم اگر می خواهد بیاید صفر تا صد امور دست کارگران است و اگر تولیدی داشت، حق بردن آن را ندارد. سود هم متعلق به کارگران است» (۱).

## ضرورت اتحاد کارگران

بدیهی است در درون کارگران اعتصاب کننده همواره نظریات متفاوتی برای پیشبرد وظایف کارگران شکل می گیرد. اما، این اختلاف نظرها در سیاست ها و تعیین روش مبارزاتی الزاماً به چند دستگی نباید منجر شود. حفظ «اتحاد عمل» کارگران با نظرگاه های مختلف بر محور عمل مشخص برای پیشبرد مبارزات ضد سرمایه داری حیاتی است. این موضوع را اسماعیل بخشی در سخنرانی اخیر خود به درستی توضیح می دهد:

«.. خواهشی که از شما دارم این است که صحیح است که اختلاف نظر داریم ولی این ها نباید به دو دستگی و اختلاف مبدل شود. جمع خواهیم شد و این موضوعات را با مشورت حل می کنیم اما این آلترناتیو است... و این همبستگی اتحادتان را حفظ کنید و اشکال ندارد که اختلاف نظر داشته باشیم. الان جمع شده ایم همفکری کنیم. اندیشه های خود را روی هم بگذاریم تا به یک نتیجه برسیم...» (۱)

## اهمیت تداوم اعتصاب

یکی از درس های مهم اعتصاب کارگران نیشکر هفته تداوم در سازماندهی اعتصابات بوده است. کارگران نیشکر هفت تپه به درستی دریافته اند که مدیران کارخانه، سرمایه داران و نهادهای وابسته به دولت هیچ زبانی را جز اخلاص در تولید از طریق اعتصاب کارگری درک نمی کنند. تنها با مختل کردن تولید و به صفر رساندن سود سرمایه داران است که آنها وارد میز مذاکره می شوند. اما در یکسال گذشته نشان داده شد که اعتصابات باید همواره تا کسب مطالبات نهایی کارگران بی وقفه ادامه یابد. ترندهای مدیران، سرمایه داران و دولت با قول و قرارهای دروغین برای بازگشت کارگران به سر کار عملکرد خود را از دست داده است. کارگران نیشکر هفت تپه در عمل دریافته اند که نباید به تزویر و دروغ های مدیران و دولت گوش فرا دهند.

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت تپه در سخنرانی سال پیش (آذر ۱۳۹۶) اهمیت اعتصاب را با اخطار به مدیران و دولت چنین بیان کرد که چنانچه حتی تمام مطالبات کارگران به آنها داده شود اما یکی از کارگران دستگیر و زندانی شود، «اعتصاب ادامه خواهد یافت!» شناخت از ماهیت قدرت کارگری و استفاده از ابزار مبارزاتی مانند اعتصاب یکی از دستاوردهای مهم کارگران نیشکر هفت تپه بوده است.

لازم به ذکر است که هر مبارزه ی کارگری ای که فرای هدف های محدود اقتصادی و سیاسی برود، حامل شکل ها و نطفه های اولیه «قدرت کارگری» است. قدرتی که در مقابل «قدرت سرمایه داران» قرار گرفته و آنرا مورد سؤال بنیادین قرار می دهد. به قول یکی از وزرای سرمایه داری اروپایی "هر اعتصاب کارگری نطفه یک انقلاب را در «خود» دارد!"

گرچه، سازماندهی یک اعتصاب محلی با هدف اقتصادی جزئی آغاز می شود، اما بخشی از قدرت سرمایه داری را زیر سؤال می برد. اعتصاب، عملی است که کارگران را رودر رو در مقابل مدیریت قرار می دهد. کارگران با این اقدام به مدیریت می گویند که: "هر چه دلش خواست نمی تواند انجام دهد!" همچنین کارگران با این عمل کل حقوق دولت بورژوازی را در اعمال کنترل در کارخانه، مورد سؤال قرار می دهند. یک اعتصاب بر محور یک سلسله مطالبات جزئی، کل «قوانین» سرمایه داری را نیز بی اعتبار اعلام می کند. قوانینی نظیر «آزادی کار» که توسط مبلغان

دولت سرمایه داری موعظه می شود، در عمل به قوانین «آزادی استثمار» کارگران توسط سرمایه داران ترجمه می شود. زیرا که به محض وقوع یک اعتصاب ساده، مدیریت کارخانه با توسل به نیروی ضربتی دولت سرمایه داری کلیه حقوق ابتدایی، از جمله حق رفت و آمد به کارخانه را از کارگران سلب می کند. تنها لحظاتی پس از آغاز یک اعتصاب، کارگران در می یابند که تبلیغات «آزادی کار» توسط دولت سرمایه داری قلابی است. کارگران بلافاصله درک می کنند که «قوانین کار» بورژوازی سراپا کذب است. نه تنها حق اعتراض به محیط نامساعد و وضعیت کار از کارگران سلب می شود، که حتی رهبران آنان اخراج، دستگیر و شکنجه و اعدام نیز می گردند. پس از هر اعتصابی کارگران بلافاصله مفهوم واقعی «آزادی کار» و «قانون کار» را درک می کنند: «آزادی سرمایه» برای خرید «نیروی کار» در هر وضعیت و شکلی که مورد علاقه و نیاز آنان است؛ «قانون سرمایه» که کارگران را مبنی بر معیارهایی، با اعمال زور، مجبور به پذیرش کلیه شرط های آنان می کند!

اما در صورت بروز یک اعتصاب گسترده تر، سراسری و عمومی، تضاد بین «کار» و «سرمایه» در شکل عریان تر و واضح تری ظاهر می گردد. برای نمونه چنانچه یک اعتصاب از کارخانه ئی آغاز گشته و به محلات، کارخانه ها و ادارات مجاور گسترش یابد؛ زمانی که اعتصاب کارخانه از یک اعتصاب عادی (دست از کار کشیدن) فراتر رود و کارگران، کارخانه را نه تنها به اشغال خود گیرند، بلکه بطور «فعال» امر مدیریت آن را بر عهده گیرند، اعتصاب به نتیجه منطقی و نهایی خود می رسد و یک سؤال محوری طرح می گردد: چه کسی «ارباب» کارخانه، اقتصاد و دولت است، کارگران یا سرمایه داران؟

کارگران، در عمل در می یابند که خود آنها «ارباب» کارخانه هستند و نه مدیران و سرمایه داران. اما، تنها راه تضمین تداوم این وضعیت، سازماندهی کارگری است. ایجاد «کمیته اعتصاب» سنتاً پاسخگوی این نیاز مقطعی کارگران است. «کمیته اعتصاب» نقش ایجاد جمع آوری منابع مالی، خوراک و پوشاک و غیره را برای اعتصاب کنندگان بر عهده می گیرد. اما اینها تنها کار «کمیته اعتصاب» نیست. این کمیته به کمیسیون های متعددی بر اساس نیاز مادی، معنوی و سیاسی و تشکیلاتی کارگران تقسیم می شود. ما در این مقطع شاهد نخستین نطفه های «قدرت کارگری» خواهیم بود. کمیسیون های مالی، خوراک، پوشاک، اطلاعات، تفریح و حتی «اطلاعات مخفی» به وجود می آیند. چنانچه «اعتصاب»، عمومی گردد، بلافاصله بخش های تولیدی، برنامه ریزی اقتصادی، امور خارجی نیز به دنبال کمیسیون ها شکل می گیرند. در اینجا کارگران نخستین آزمایش «قدرت» را تجربه می کنند. کمیته اعتصاب برای از میان برداشتن «تقسیم کار» تمیلی جامعه بورژوازی بین «برنامه ریزان» و «مجریان»، به شکل روزانه جلسات عمومی گذاشته تا تمام کارگران و خانواده های آنان در کلیه امور تصمیم گیری قرار گیرند.

چنین تشکل دمکراتیک و مبارزی نه تنها مطالبات اعتصاب کنندگان را تحقق خواهد بخشید که نخستین گام را برای رهایی کارگران از اعمال زور و اجحافات مدیریت و مسئولان کارخانه، بر خواهد داشت. یعنی نخستین گام در راستای الغاء «از خود بیگانگی» و رهایی از شر «قوانین بازار» و «سرمایه».

زمانی که یک اعتصاب محلی، برای سازماندهی خود، دست به ایجاد کمیته اعتصاب دمکراتیکی می زند؛ زمانی که این قبیل کمیته ها نه تنها در یک کارخانه که در یک منطقه به وجود بیاید؛ زمانی که این کمیته ها از طریق هیئت نمایندگی این نهادها با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و مرکزیت بیابند؛ در آن صورت ما شاهد تولد شوراهای کارگری خواهیم بود. این نطفه اولیه دولت کارگری آتی است.

در ایران نیز در دوره پیشا انقلابی قیام بهمن ۱۳۵۷، سازماندهی کمیته های اعتصاب به بارزترین نحوی چنین نطفه هایی را به وجود آورد. کارگران و کارکنان صنایع نفت با چنین سازماندهی قادر شدند که شیرهای نفت را بسته و ستون فقرات رژیم شاه را بشکنند. این اقدامات منجر به سرنگونی نهایی رژیم شاه شد.

در تاریخ هم مواردی مشابه ای رخ داده است. برای نمونه شورای «پتروگارد» در ۱۹۰۵ در روسیه به چنین شکلی تولید یافت و چند سال بعد رهبری انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه را بدست گرفت.

## «آگاهی» و انقلاب کارگری

گرچه هر اعتصاب گسترده و دراز مدت، حامل نطفه های اولیه قدرت کارگری است، اما برای تحقق نهایی آن، به عوامل دیگری نیاز است. زیرا که تفاوت مهمی بین تهاجم بالقوه علیه دولت سرمایه داری و تحقق نهایی تسخیر قدرت سیاسی توسط کارگران وجود دارد. آنچه این دو وضعیت را بهم پیوند می دهد سطح «آگاهی» سیاسی درون جنبش کارگری است. بدون یک سلسله تصمیم گیری آگاهانه، هیچ اعتصابی به خودی خود رژیم سرمایه داری را تهدید بنیادین نمی کند. هیچ «کمیته اعتصاب» می تواند به شکل خودجوش به یک «شورا» تبدیل نمی شود.

یکی از خصوصیات بارز انقلاب های کارگری نیز در همین امر نهفته است. بر خلاف کلیه انقلاب های اجتماعی گذشته که قدرت سیاسی به طبقاتی انتقال یافتند که صاحب ثروت جامعه بودند (طبقات دارا)، طبقه کارگر تنها طبقه ای در تاریخ است که صرفاً پس از قدرت سیاسی و رهایی خود به ثروت ملی و مناسبات تولیدی دست خواهد یافت. بدون کنارگذاری بنیادین دولت سرمایه داری، طبقه کارگر قادر به نظارت و کنترل کامل بر امور کارخانه ها نخواهد بود. بدون خلع ید از دولت سرمایه داری کنترل بر مناسبات مادی تولیدی غیرممکن خواهد بود.

اما، کنارگذاری دولت سرمایه داری نیاز به برنامه ریزی و عمل مرکزی سیاسی خاص دارد. برای سازماندهی برنامه اقتصادی و برنامه ریزی شده و اجتماعی شده، نیاز به اقدامات حساب شده است. بنابراین انقلاب کارگری تنها یک قیام توده ای خودجوش نیست (البته در هر انقلابی چنین حرکت هایی ضروری است و بدون آنها انقلابی آغاز نمی گردد)، بلکه حرکت مشخص برنامه ریزی شده ای است که مانند زنجیری بهم پیوند خورده اند. هر گسستی در این سلسله عملیات، انقلاب را می تواند با فاجعه روبرو کند.

به سخن دیگر، انقلابی که قرار است کارگران «از خود بیگانه شده» را به انسان های «آزاد شده» ای که سرنوشت خود را در دست خواهند گرفت، تبدیل کند؛ باید توسط کارگران «آگاه» و سازمان یافته، در وضعیت عینی ای که توده ها آمادگی داشته باشند، صورت پذیرد.

بدیهی است که پس از هر اعتلای انقلابی، اعتصاب عمومی و قیام توده ای، مسئله ای «قدرت دوگانه» در جامعه طرح می گردد: «قدرت سرمایه داری» یا «قدرت کارگری». وضعیت عینی ای که منجر به اعتلای انقلابی در دوره پیشا انقلابی، در راستای تسخیر قدرت توسط کارگران می گردد از این قرار است: بحران عینی و دائمی در روابط تولیدی سرمایه داری (کساد، تورم، بیکاری و هرج و مرج در تولید و غیره)؛ بحران سیاسی در درون هیئت حاکم (کشمکش های درونی، بی اعتمادی به رهبریت، تفرقه، عدم وجود یکپارچگی و وحدت)؛ نارضایتی عمومی مردم (به ویژه در درون قشرهای خرده بورژوا و زحمتکشان)؛ بی اعتمادی طبقه کارگر به سیاستمداران سرمایه داری، اعتماد به نفس طبقه ای کارگر در نتیجه مبارزات ضد رژیم پیروزمند، پیگیری و دراز مدت؛ شکل گیری پیشروی کارگری منسجم و متعهد با اعتماد به نفس کافی، و مهم تر از همه وجود یک حزب پیشتاز کارگری است. چنانچه اغلب وضعیت عینی ذکر شده ایجاد گردد، هر چه جرقه ای در جامعه منجر به انفجار توده ای می گردد. هر اعتصابی که از مطالبات اقتصادی جزئی آغاز گردد، بلافاصله به «دروازه» طرح مسئله «قدرت دوگانه» می رسد. البته فرا رفتن از این «دروازه»، بستگی به آمادگی پیشروی کارگری و به ویژه وجود یک «حزب پیشتاز کارگری» در جامعه دارد. حزبی که پیشاپیش، اعتبار سیاسی در درون پیشروی کارگری یافته باشد. در قیام بهمن ۱۳۵۷ زحمتکشان و کارگران ایران از این دروازه عبور کردند، اما به علت نبود «رهبری» در جنبش کارگری، با استقرار ضد انقلاب سرمایه داری متکی به سلسله مراتب شیعه، از این مرز عقب رانده شدند. اعتصابات کارگری اخیر (از جمله اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهو، معلمان و غیره)، نمایانگر آمادگی وضعیت عینی برای عبور طبقه ای کارگر از این «دروازه» است. مسئله اصلی بر سر تدارک و سازماندهی انقلاب کارگری آتی ایران است.

دولت سرمایه داری نه تنها با ارباب و اعمال زور نظام سرمایه داری پوسیده را پا بر جا نگه می دارد که همراه با اصلاح طلبان رنگارنگ در درون جنبش کارگری، و تشکیل بدیل های قلبی (مانند آنچه این روزها در سندیکای شرکت واحد رخ داده)، مبادرت به تعویق انداختن انقلاب اجتماعی می کند. تبلیغات ایدئولوژیک این عده در درون طبقه کارگر و زحمتکشان تأثیراتی هر چند ناچیز می گذارد. چنانچه طبقه ای کارگر تحت تأثیر ایدئولوژی سرمایه داری و تبلیغات سرمایه داری قرار نمی گرفت، نظام سرمایه داری یک روز هم دوام نمی آورد! حاکمیت سرمایه داری تنها از طریق زور و تبلیغات ایدئولوژیک (رسانه های عمومی، مساجد، مدارس و غیره) نیز اعمال نمی گردد، بلکه از طریق حاکمیت بر بازار اقتصادی، اعمال استثمار و «استثمار مضاعف» بر کارگران، بیکار سازی و اخراج و ایجاد

وضعیتی که کارگران قادر نباشند به جهان بینی خود دست یابند، صورت می گیرد. دولت سرمایه داری عامل اصلی ایجاد «ایدئولوژی کاذب» در جامعه است که اکثر مردم را تحت تأثیر قرار می دهد.

در جوامع غربی، نظام سرمایه داری تنها در وضعیت بسیار بحرانی متوسل به اعمال زور متداوم می گردد، وگرنه با تمایل قوانین بازار، به اندازه کافی کارگران و زحمتکشان را ارباب می کند، تا توان مقاومت را از آنها سلب کند. کارگران (حتی آگاه ترین آنها) نهایتاً می پذیرند که برای کسب «یک لقمه نان» و یا برای «سیر کردن شکم خود و خانواده شان» بایستی «نیروی کار» خود را به فروش برسانند و به قوانین بازار تمکین کنند. این اقدام به عنوان یک امر «طبیعی» قلمداد می شود. تنها در وضعیت بحرانی است که کل نظام سرمایه داری به زیر سؤال رفته و قیام های توده ئی در دستور روز قرار می گیرد.

در ایران، طی چهار دهه گذشته، وضعیت سیاسی همواره بحرانی و دائمی بوده و رژیم با توسل به اعمال زور و اختناق حرکت های توده ئی را سرکوب کرده است. اما همان رژیم می تواند، تحت وضعیت نوینی، زیر لوای «اصلاحات»، ارباب زحمتکشان را به شکل دیگری اعمال کند.

کارگران تنها متکی بر نیروی خود و در نتیجه ی مبارزات ضد سرمایه داری، می توانند علیه تبلیغات رژیم موضع اعلام کنند. آنها در مبارزه روزمره خود بر محور مطالبات «کنترل کارگری» در کف کارخانه متوجه می شوند که خود «ارباب» کارخانه اند (همانطور که امروزه در شرکت هفت تپه مشاهده شده است). در اینجا نطفه ی اولیه قدرت کارگری شکل گرفته و زمینه برای حکومت کارگری فراهم می آورد.

این اقدامات اولیه توسط کارگران نیشکر هفت تپه در سطح محلی به مورد اجرا قرار گرفته است. اتحاد کارگران فولاد اهواز و نهایتاً سایر کارگران و معلمان و دانشجویان با کارگران نیشکر هفت تپه شرایط را برای دگرگونی اجتماعی و به حاکمیت رسیدن کارگران و زحمتکشان هموار می کند.

## شیوه سازماندهی جنبش کارگری

برای درک صحیح شیوه سازماندهی می توان از مکانیسم یک اهرم استفاده جست. یک اهرم از سه جزء پیوند خورده تشکیل یافته که با فشار یک نیروی کوچک در یک انتها و اتکا به یک تکیه گاه یک حجم اعظیم می تواند ارتقا یابد. اگر حجم بزرگ توده های کارگران و زحمتکشان باشند، نقطه اتکا رهبران عملی کارگران و بخش فشار دهنده حزب پیشتاز کارگری است. بنابراین در وضعیت انقلابی و آغاز اعتلای انقلابی و بحران اقتصادی و سیاسی در جامعه که حاکمیت دچار بحران است و توده ها در اعتراض و اعتصاب هستند و قدرت دوگانه در جامعه وجود داشته باشد، این سه جزء در پیوند با یکدیگر پیروزی انقلاب کارگری را تضمین می کند.

بنابراین، سازماندهی حزب پیشتاز کارگری (گام اول)، پیوند همزمان این حزب با رهبران عملی کارگران (گام دوم) لازمه تدارک انقلاب کارگری (گام سوم) است.

در وضعیت کنونی ما شاهد ظهور رهبران عملی طبقه کارگر در کمیته های مخفی بوده ایم. ما شاهد اعتصابات و اعتراضات توده ای بوده ایم، اما هنوز حزب پیشتاز کارگری که پیوند خود را به کمیته های مخفی برقرار کند، وجود ندارد. امروزه تدارک برای ساختن حزب پیشتاز کارگری یکی از وظایف اصلی کارگران پیشتاز است.

## کمیته های مخفی کارگری

در این امر تردیدی نیست که کارگران پیشتاز (رهبران عملی کارگران) که در سازماندهی اعتصابات نقش تعیین کننده ای ایفا کرده اند، قادر به فعالیت علنی نیستند. چنانچه رژیم نتواند مخالفان سیاسی خود را در درون هیئت حاکم تحمل کند، بدیهی است که فعالیت علنی کارگران پیشتاز را قطعاً نمی تواند تحمل کند. در نتیجه فعالیت متشکل کارگران پیشتاز تنها می تواند یک ساختار مخفی داشته باشد.

کمیته های مخفی کارگری نهادهایی هستند که به وسیله کارگران پیشتاز (رهبران عملی کارگران) برای تدارک مبارزه ضد رژیم می شکل می گیرند (ما شاهد این کمیته ها مخفی در اعتصابات کارگری بوده ایم). در درون این کمیته ها کارگران با نظریات و عقاید مختلف شرکت می کنند. زیرا که وجه اشتراک آن ها نه برنامه ای و نه ایدئولوژیک است. کارگران در نهادهای مخفی تنها برای مقابله با مدیران کارخانه به دور یک اقدام مشخص صنفی فعالیت را آغاز می کنند. اما در مراحل بعدی همین اقدامات صنفی اولیه به مطالبات سیاسی میدل می گردد. به سخن دیگر، وجه اشتراک تمام شرکت کنندگان در کمیته های مخفی، مبارزات ضد رژیم و ضد سرمایه داری است و نه صرفاً اشتراک عقیدتی. تجربه گذشته نشان داده است که این قبیل نهادها توسط عده معدودی از کارگران پیشتاز (رهبران عملی کارگران) با افراد مورد اعتماد خود شکل می گیرد. اکثر اعتصاب های کارگری و تظاهرات و جاده بستن ها در دوره گذشته، توسط این قبیل محافل خود انگیخته سازمان یافته اند. سازماندهی کمیته های مخفی و تضمین تداوم آن نیز به نوبه خود می تواند در راستای سراسری کردن اعتصاب های مقطعی و محلی کمک رساند. چنانچه تجربه اعتصاب در یک کارخانه به چند کارخانه مجاور منتقل گردد و هماهنگی آن ها در راستای اعتصاب عمومی سازمان یابد، نطفه های اولیه قدرت کارگری برای تسخیر قدرت سیاسی یعنی انقلاب کارگری می تواند ظاهر گردد.

اما، این گونه کمیته ها اغلب پس از یک سلسله فعالیت های مشخص محلی به کار خود خاتمه می دهند و فعالان آن پراکنده می گردند. رهبران این کمیته ها توسط وزارت اطلاعات شناسایی شده یا دستگیر و ارباب می شوند. یا فعالیت های آنها تحت نظارت قرار گرفته و نهایتاً خسته و دلسرد می شوند. در واقع امروزه آن چه بیش از هر چیز کمبودش در درون جنبش کارگری احساس شده، عدم وجود تداوم و پیگیری مبارزات در کارخانه های منفرد و همچنین عدم سراسری شدن اعتصابات در کارخانه های ایران بوده است. به سخن دیگر، کمیته های خود انگیخته مخفی کارگری به علت نداشتن سازماندهی و تجربه کافی برای تداوم و گسترش اعتصابات پس از دوره ای خاموش گشته و تجربه شان به فراموشی سپرده می شود. تنها راه تضمین تداوم مبارزات در کارخانه ها وجود یک حزب پیشتاز کارگری سراسری است.

### هسته های مخفی سوسیالیستی

امروز آن چه تداوم و سازماندهی کارگران در کارخانه ها را می تواند تضمین کند، تشکیل هسته های مخفی به محور یک برنامه اقدام کارگری است. تنها راه تضمین تداوم کار کمیته های مخفی کارگری وجود این هسته ها به مثابه ستون فقرات آن هاست. این هسته های سوسیالیستی می توانند زمینه را برای ارتباط گیری کمیته های مخفی و سراسری کردن آن فراهم آورند و نهایتاً حزب پیشتاز کارگری را همراه با آنها پی ریزی کنند. این گونه هسته ها وظایف متعددی را در مقابل خود قرار می دهند:

اول، فعالیت سازمان یافته شده برای پیوند خود با رهبران عملی طبقه کارگر. این اقدام می تواند از طریق حضور در مراکز اعتصابات کارگری و تلاش برای ارتباط گیری با کارگران پیشتاز (با رعایت اکید مسایل امنیتی) صورت بگیرد. و در صورت امکان دخالت در کمیته های عمل کارگری که سنتاً در درون کارخانه ها توسط کارگران پیشرو برای پیشبرد امر مبارزاتی شکل گرفته اند. بدیهی است که این کمیته ها الزاماً متشکل از کارگران سوسیالیست نمی باشند. در درون این کمیته ها حتی کارگران مسلمان و غیر سوسیالیست ضد رژیم نیز شرکت می کنند و سازماندهی اعتصاب و یا اعتراض انجام می گیرد. شرکت هسته های سوسیالیستی در چنین تشکل های مخفی به مثابه شرکت در یک اتحاد عمل صورت می گیرد.

دوم، برقراری ارتباط مرتب سیاسی و بحث و تبادل نظر به ویژه در دو مورد مسأله خاص: مسایل جاری سیاسی روز ایران و تجارب بین المللی.

سوم، ترتیب جلسات آموزشی درباره اصول اولیه مارکسیسم، مفاهیم سوسیالیسم و تجارب جنبش کارگری در سطح جهانی.

چهارم، انتشار بولتن های کارگری برای توزیع میان کارگران کارخانه. پنجم، کمک رسانی به سازماندهی و تدارک اعتراض های کارگری در کارخانه و محلات. دخالت سیاسی و تشکیلاتی در فعالیت های خودانگیخته کارگران علیه رژیم و مدیران کارخانه. ششم، مداخله در نهادهایی که کارگران پیشتاز در آن ها شرکت دارند (انجمن های صنفی مستقل، سندیکاهای کارگری مستقل و غیره). البته دخالت در این نهادها مستلزم وجود دمکراسی درونی و استقلال واقعی آن ها از رژیم است.

هفتم، تدارک تیم اطلاعاتی علیه جاسوسان رژیم در کارخانه ها. بدون تردید یکی از روش های مؤثر رژیم در سرکوب فعالیت های کارگران پیشرو در کارخانه ها، وجود جاسوسان و گروه های ضربت وزارت اطلاعات و حراست است. مداخله سیاسی کارگران سوسیالیست در کارخانه ها برای تأثیرگذاری و تبلیغات در میان کارگران، بدون شناسایی، افشا و خنثی کردن عملیات مخرب جاسوسان رژیم امکان پذیر نیست. تنها هسته های مخفی کارگران سوسیالیست قادرند که چنین سدی را از میان بردارند. خبرچین ها و جاسوسان رژیم بدون مبارزه کارگران پیشرو علیه آن ها، از کارخانه ها طرد نمی گردند.

## کمیته اقدام کارگری ایران (۲)

برخی از فعالان کارگری و روشنفکر کارگران بر محور برنامه اقدام کارگری گرد آمده تا وظایف ذکر شده را انجام دهند. کمیته اقدام کارگری ایران که بیش از یک دهه پیش در ایران پی ریزی شد و در ادامه فعالیت هایش یکی از همکاران برجسته آن رفیق شاهرخ زمانی بود، که به شکل پیگیر و مستمر در میان کارگران پیشرو به فعالیت های ضد سرمایه داری و حمایت از زندانیان سیاسی ادامه داده است. نشریه «کارگر پیشتاز» به پیشنهاد و پیگیری رفیق شاهرخ زمانی در واپسین دوره حیات خود از درون زندان رژیم سرمایه داری حاکم است. این نشریه به مثابه ارگان سازماندهی کمیته اقدام کارگری ایران جهت انتقال و تبادل نظر با پیشروان جنبش کارگری منتشر می شود. این کمیته همچنین با کارزار بین المللی شاهرخ زمانی هماهنگی هایی در راستای جلب حمایت بین المللی از کارگران ایران اقدامات مؤثری در حمایت از کارگران ایران انجام داده است.

## یادداشت ها:

(۱) سخنرانی اسماعیل بخشی ۱۷ آبان ۱۳۹۷

با سلام خدمت همگی  
مسائلی وجود دارد که همه به آن مستحضرید و می خواهیم در این مورد یک نظر سنجی برگزار کنیم. اما پیش از نظر سنجی و اخذ رای شورایی درباره اقداماتمان، لازم است حرف هایی گفته شود و اطلاعاتی که ما به عنوان نمایندگان کارگری پیگیری کردیم را فارغ از دست یابی به نتیجه به اطلاع شما برسانیم. چرا که ما امروز اینجا هستیم تا برای خودمان تصمیم بگیریم. وقتی می گوئیم شورای کارگری یعنی همین. یعنی تجمع، تصمیم گیری و عمل. برای خود و آینده و سرنوشتمان تصمیم میگیریم و اقدام خواهیم کرد. ولی پیش از آن اگر بخواهیم مسئله اختلاس و فساد ارزی که انجام گرفته و مشخص هم نیست که عاملین آن کجا هستند. مامی بایست مسائلی دیگر را بررسی کنیم یعنی از روزی که این حضرات آمده اند. از روزی که این آقایان آمده اند بد آمدند و وقتی که کاری را بد شروع کرد، بدتر هم تمام می شود. از روز اول مشغول اعتراض کردن به دولت هستیم که این آقایان دارند از برند هفت تپه، یعنی آن کارت تجاری هفت تپه سوء استفاده می کنند. حال یا واردات خود را به نام این شرکت انجام می دهند یا وام ها و تسهیلات ارزی خود را به نام شرکت اخذ می کنند. از روز اول مادر حال گفتن این به دولت هستیم که کارخانه متعلق به ما کارگران و مردم اینجا بوده است. با چه قرارداد و شرایطی کارخانه را به بخش خصوصی واگذار شده؟ ما دولت را هم مقصر قلمداد می کنیم و دلیل هم این است. به هر بخشی که رجوع می کردیم و خواستار نشان دادن قرارداد واگذاری، فروش و یا این که این آقایان این جا مالک اند؟ موجد اند؟ و یا اصلاً شاید شرکت به نام کس دیگری است؟ ما تا وزارت کشور هم رفتیم اما کسی این را به ما نشان نداد. و هر جا هم که می رفتیم از سرمایه داران حمایت می شد. من به عنوان



غاینده شما با وزیر، استاندار، فرماندار، سازمان اطلاعات، غایندگان استان، غایندگان شهرستان، از طرف همه شما صحبت کردیم. منتها علیه سخنان آنها که حمایت از سرمایه داران است. و چون ما نظام را نظام سرمایه داری استثمارگر معرفی می کنیم، آنها نام کارآفرین را برای آن می گذارند. چه کارآفرینی؟ شرکت مهیا بوده است. همه ما آماده بودیم. و آنها بر سر مالی آماده حاضر شده اند. پس چه کارآفرینی ای رخ داده است؟ از طرفی هم میلیاردها تومان پول گرفته اند به نام هفت تپه، به نام ما کارگران. هر چه ما زحمت کشیدیم، هر چه ما داخل مزارع، کارخانه، بخش تجهیزات و قسمت های مختلف جان کندها تو سوا آنها به راحتی دزدیده شد. از میلیاردها و میلیون ها دلاری که تسهیلات گرفتند یک ریال آن سر سفره کارگر هفت تپه نیامده. سه سال است که اعتراض می کنیم که این آقایان نه صنعتگر هستند و نه تولید کننده و مشخص نیست که واقعا چه هستند. اصلا اطلاع ندارند که نیشکر گیاه است یا درخت و با آمدنشان با هفت تپه کارگران را بیچاره کردند. دولت هم در این موضوع مقصر است و می بایست خود دولت محکوم شده و به ما غرامت بپردازد. و به کارگر هفت تپه پاسخ دهد. همه جا رفتیم. دولت اعلام می کند که ما با کارگران هستیم اما ما از کجا می فهمیم که دولت همراه با سرمایه داران است؟ همه آن آقایان رفته اند و هیچ کس هم در این مورد بحثی نکرده بلکه غایندگان کارگران و خود کارگران دریافتند که جریان از چه قرار است. بای گیری غایندگان بود که دریافتیم که آقایان نیستند و اختلاس کرده و تحت تعقیب اند؛ و بعضی از آن ها هم دستگیر شده اند. با مراجعه به دولت سوال کردیم که این آقایان کجا هستند؟ آیا زندانی هستند؟ یا فراری اند و تحت تعقیب؟ و دلیل اصلی آن چیست؟ در حالی که دولت هیچ پاسخی نمی دهد. چرا؟ چون پای خودش هم گیر است. خودش این ها را آورده. تف سربالاست اگر بخواهد با آنها برخورد کند. حاصل سیستم اقتصادی و کار خودش چنین کسانی است. هر کجا هم که اعتراض می کردیم حاصل آن حمایت از کارفرما به نام حمایت از تولید بود. حال آقای استاندار چه جوابی دارد؟ آن همه مادران استانداری تهدید به بازداشت شدیم تا اجباری بر سر میز مذاکره بیاییم. گرچه ما نترسیدیم و سر میز مذاکره هم حاضر شدیم. منتها ما امروز جمع شدیم تا معنی آن شوراها را مستقل کارگری که از آن صحبت می کنیم را دریابیم. اگر امید شما به دولت است یا به بخش خصوصی و یا اگر به آمدن شخصی دیگر امید بسته اید خیالتان را راحت کنیم که این داستان و وضعیت به همین شکل باقی می ماند. همین آش و همین کاسه است. امروز ما آمده ایم تا برای خودمان تصمیم بگیریم. همیشه دستور از بالا آمده. ما امروز تصمیم گرفتیم حکم از پایین به بالا برود. ما برای دولت تعیین تکلیف کنیم. ما دلمان برای شرکت می سوزد. اما خواهشی از شما دارم این است که صحیح است که اختلاف نظر داریم ولی این ها نباید به دو دستگی و اختلاف مبدل شود. جمع خواهیم شد و این موضوعات را با مشورت حل می کنیم اما این آلت رناتیو است... خطاب به دولت اعلام می کنیم که این آلت رناتیو است و دیگر بخش خصوصی در اینجا جایی ندارد. دور راه حل وجود دارد که در نهایت خودتان بایست در مورد آن تصمیم بگیرید. یکی آن است که هفت تپه کاملا به دست کارگران اداره شود. کمیته ای تشکیل خواهیم داد و شورایی هفت تپه را اداره می کنیم. نگران نباشید. تمام تخصص ها را هم داریم. مگر تا امروز چه کسی هفت تپه را اداره کرده؟ اعتماد به نفس داشته باشید. به خود ایمان داشته باشید. می توانیم هفت تپه را خودمان اداره بکنیم. این آرزوی من است که روزی بتوانیم هفت تپه را خودگردان اداره کنیم. راه حل دیگر اینکه فرض کنیم که اجازه اداره خودگردان هفت تپه را به ما ندهند و یا شرایط لازم وجود ندارد. گرچه ما تشکل شورایی خود را حفظ می کنیم. در این صورت اگر دولت قصد دارد که شرکت را بگیرد دیگر نه همچون گذشته، بلکه دولت باید صفر تا صد امور را زیر نظر شورای کارگری و زیر نظر عموم کارگران کار کند. مگر غایندگان دولت با این حضرات چه فرقی دارند؟ آنها هم می توانند شرکت را برای چندمین بار به نابودی بکشاند و ما دوباره روز از نو روزی از نو. آلت رناتیو ما شورا و نظر جمعی است. ما فرد محور نیستیم. فرد طلب نیستیم. فرد طلبان و ناسیونالیست ها و نژادپرستان و مرتجعین خود را به ما نچسبانند. آلت رناتیو ما شوراهای کارگری است. یعنی جمعی تصمیم می گیریم برای سرتوشت خودمان. از پایین حکم صادر می کنیم. هر چه از بالا توی سرمان زدند بس است. حالا ما تعیین تکلیف می کنیم. سه سال شرکت را چاییدند. دولت با تمام قدرت پشتش بوده. دیگر بس است. الان آمده ایم تا شوراهای ما را تعمیر کنیم. مشکل آن را درست کردیم. در هر اداره ای غاینده انتخاب کردیم. الان یک تصمیم عمومی است. گاهی در بخش ها و ادارات خود این فضا را به وجود بیاورید. جمع شوید و درباره مشکلات خود با غایندگان صحبت کنید. هفت تپه را اینگونه اداره کنیم. شوراهای ما را تعمیر کنیم. شورا را زندگی کنیم. بهترین روش همین است. در نظر گرفتن منافع جمعی، نه فردی. همه برای هم دیگر هستند نه همه برای یکی. حال این وضعیتی است که به وجود آمده. دیگر بخش خصوصی نباید وارد شود. ما می خواهیم برای اداره هفت تپه تصمیم بگیریم. دولت هم اگر می خواهد بیاید، اما صفر تا صد امور در دست کارگران است و اگر تولیدی داشت، حق بردن آن را ندارد. سود هم متعلق به کارگران است. تمام مدیران و آنهایی که به کارفرماهای اختلاس گر وصل بودند دیگر نباید پایشان را توی هفت تپه بگذرانند. تمام این سیستم، سیستم اقتصادی کشور این است که اگر بخواهد کسی را از بخش خصوصی بیاورد باز هم این داستان است. پس روی این فکر نکنید. شرکت نباید تحت مالکیت خصوصی باشد.

خودمان اداره‌اش می‌کنیم و این همبستگی و اتحادتان را حفظ کنید؛ و اشکال ندارد که اختلاف نظر داشته باشیم. الان جمع شده‌ایم هم‌فکری کنیم. اندیشه‌های خود را روی هم بگذاریم تا به یک نتیجه برسیم.  
زنده باد همه شما  
اسماعیل بخشی

(۲) کمیته اقدام کارگری از تمامی روشنفکر-کارگران و کارگر-روشنفکران دعوت می‌کند که برای سازماندهی جنبش کارگری و تدارک ایجاد حزب پیش‌تاز کارگری همراه با رهبران عملی کارگران به این کمیته بپیوندند.  
برای تماس‌گیری با کمیته اقدام کارگری با نشانی تلگرام تماس بگیرید:  
**@Komitehe1Eghdam**

Filename: جهش فراتر .docx  
Directory: /Users/hojabraz/Library/Containers/com.microsoft.Word/Data/Documents  
Template: /Users/hojabraz/Library/Group Containers/UBF8T346G9.Office/User Content.localized/Templates.localized/Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: Maziar Razi  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 11/15/186:23:00 AM  
Change Number: 2  
Last Saved On: 11/15/186:23:00 AM  
Last Saved By: Maziar Razi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 11/15/186:23:00 AM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 10  
Number of Words: 6,008  
Number of Characters: 25,001 (approx.)